

فیکور
چهره نیست که فریب می‌دهد، ماییم که با خواندن آنچه آنجا نوشته شده، فریب می‌خوریم.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۵ یکشنبه ۱۳ حمل / فروردین ۱۳۹۶ ۴ رجب المرجب ۱۴۳۸ ۲۰ اپریل ۲۰۱۷

ماندگار

روزنامه صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل - هرات

بخش همزمان:
بلخ
پروان
پنجشیر
میدان وردگ
وکاپیسا



عزیزی بانک
Azizi Bank

عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!
نا اکتون کارمندی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می‌توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.

f in t www.azizibank.af 1515

نماینده‌گان:

سرپرستان اداره‌ها را با چالش مواجه ساخته‌اند



صفحه ۶

هروقت از نقص بگذری فایده است

صفحه ۲

صفحه ۶
دولتی جرگه‌یو کمپسیون د افغانستان پوهنیز وضعیت ارزوی



صفحه ۲
آغازی که فرجامش ناپیدا است



صفحه ۳
معاون رییس جمهور در مراسم معرفی سرپرست وزارت معادن: کمک‌های خارجی زمینه مداخله را فراهم می‌کند



صفحه ۳
دفتر سازمان ملل در کابل: احتمال فاجعه بشری در افغانستان وجود دارد



صفحه ۶
بودجه شورای عالی صلح قطع می‌شود



احمد عمران



سخن ماندگار

هروقت از نقص بگذری فایده است

روز گذشته منابعی در شورای عالی صلح افغانستان اعلام کردند که این شورا دیگر بودجه‌ی برای ادامه فعالیت ندارد. به گفته این منابع، شورای صلح هیچ بودجه‌ی برای پرداخت حقوق کارمندان و مصارف خود ندارد. از همین رو گفته شده است که آقای غنی درباره چگونگی فعالیت این شورا با کشورهای تأمین کننده گفت‌وگو و رای‌زنی خواهد کرد. برداشت غالب این است که کشورهای تمویل کننده به دلیل نداشتن دستاورد ملموس و صرفاً مصرفی بودن این نهاد، حمایت مالی خود را قطع کرده‌اند.

این خبر شاید برای کارمندان این شورا و به‌ویژه برای کسانی که از این آدرس بهره‌ها و امتیازها جسته‌اند، تلخ و ناگوار باشد؛ اما مسلماً برای مردم افغانستان که حدود هفت سال است از یکطرف شاهد جنگ و ویران‌گری طالبان اند و از سوی دیگر شاهد پاداش‌ها و نوازش‌های بی‌اندازه در حق کسانی که نام طالب را با خود حمل می‌کنند؛ خبری خیر با تأخیری فراوان است!

تلخ‌ترین حادثه و سنگین‌ترین قربانی که از آدرس این شورا بر مردم افغانستان وارد شد، ترور و شهادت استاد برهان‌الدین ربانی بود که از قضا خودش سمت ریاست این نهاد را داشت و بازی‌های پشت پرده او را به پای خود به قربانگاه کشاند. به هر رو، پس از آن نیز به دلیل اهمیت بحث صلح در اسلام و جامعه انسانی و اسلامی، این نهاد با بودجه هنگفت و با امکانات سرشار، به فعالیت‌های به اصطلاح صلح‌خواهانه خویش ادامه داد، اما تنها دستاوردی که از آن به منصفه ظهور رسید، توزیع پول‌های بادآورده خارجی و شدت قساوت و خشونت طالبان در شهرها و روستاهای کشور بود.

درستی این ادعا را می‌توان با مراجعه به آمارهای ارایه‌شده پیرامون جنگ و انفجار و انتحار و تلفات ناشی از آن‌ها طی ۷ سال اخیر به تماشا نشست. از سال ۱۳۸۹ به بعد، هر سال بر اساس آمارهای داخلی و بین‌المللی، تلفات جانی و مالی بیشتری از آتش جنگ طالبان متحمل شده‌ایم. البته ناگفته نباید گذاشت که همواره آمارهایی که از جانب وزارت‌های داخله و دفاع پیرامون تلفات جانی نیروهای امنیتی در برابر طالبان ارایه می‌شود، از فیلتر سانسور و مصلحت عمومی می‌گذرد و به‌نحوی سعی می‌گردد نرخ آن‌ها برای عدم تضعیف روحیه عمومی کوچک و کوچک‌تر شود. یعنی آمارهای حقیقی و خارج از دایره صلاح و سانسور به مراتب بالاتر از گزارش‌های منتشر شده‌اند؛ چنان‌که حادثه شفاخانه چهارصد به‌وضوح این دوگانگی را نشان داد.

اگر بخواهیم دلیل این ناکامی و ناکاره‌گی در نهاد شورای عالی صلح را بی‌گیریم و بررسی کنیم، به ماهیت بیرونی و استخباراتی پدیده‌ی به نام «طالبان» برمی‌خوریم. چنین پدیده‌ی از آن‌جا که آشخورهای خارجی و ماهیت ابزاری برای تحقق اهداف استخباراتی بیگانه دارد، در برابر هر برنامه خنثاگری جامعه عوض می‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد. به این معنا که شورای عالی صلح که علی‌الظاهر برای خنثاسازی طالبان به میان آمد، خود به جال سازنده‌گان این گروه افتاد و به باری سنگین بر دوش این نظام مدیون و قرضدار جامعه جهانی تبدیل شد.

طی این سال‌ها به موازاتی که بودجه صلح‌خواهی شورای صلح پُر و پیمان شد، عطش طالب‌شدن بسیاری‌ها نیز گل کرد و گروه - گروه افراد طالب شدند و صلح کردند و پول گرفتند و لادرك شدند، اما از آن‌طرف نه از آتش جنگ کاسته شد و نه در شمار طالبان قلّتی رونما گشت. همه این لوده‌گی‌ها درحالی صورت گرفت که آن‌سوی ماجرا پاکستان و چند کشور همسو با آن، منت گفت‌وگو با سران طالبان و تشویق آن‌ها به این پروسه را نیز بر حکومت افغانستان گذاشتند و می‌گذارند.

با این اوصاف، خبر قطع بودجه شورای عالی صلح را به فال نیک گرفته و به جناب رییس دولت وحدت ملی صمیمانه پیشنهاد می‌کنیم که هیچ تلاشی برای قناعت کشورهای تمویل‌کننده به حمایت از این نهاد به خرج ندهد. طالب، داعش و امثالهم پدیده‌های استخباراتی‌اند که از بیرون هدایت می‌شوند؛ پس به‌جای دادن معاش‌های دالری سنگین به کارمندان شورای صلح و باج‌دهی به طالب‌نمایان نقاب‌دار، آذوقه و شاجور سربازان امنیتی را پُر و پیمان بسازید!

آغازی که فرجامش ناپیدا است

دولت افغانستان شاید برخی اقدام‌های نمادین را در عرصه انتخابات اعمال کرده باشد، ولی این اقدام‌ها به هیچ‌صورت تضمین‌کننده انتخابات شفاف و عادلانه در کشور نیست و حتا نسبت به اراده دولت و به‌ویژه ارگ ریاست‌جمهوری در برگزاری انتخابات آینده تردیدهایی وجود دارد. شاید حالا که در آغاز راه قرار داریم، دولت خواسته باشد با ارایه برخی وعده‌ها، حساسیت عمومی را نسبت به انتخابات تا حدی تلطیف سازد و این اطمینان کاذب را به وجود آورد که اقدام‌های لازم در این خصوص در حال انجام شدن اند، ولی در دقیقه نود که باید انتخابات برگزار شود، به بهانه‌های مختلف و از جمله نبود امنیت در بخش‌های وسیعی از کشور و یا هم نبود بودجه کافی، برگزاری آن را برای مدت نامعلومی به تأخیر می‌اندازد و همچنان به حیات پارلمان غیرقانونی فعلی تداوم می‌بخشد

بخش‌های وسیعی از کشور و یا هم نبود بودجه کافی، برگزاری آن را برای مدت نامعلومی به تأخیر می‌اندازد و همچنان به حیات پارلمان غیرقانونی فعلی تداوم می‌بخشد. چنین امری بعید به نظر نمی‌رسد، با توجه به این‌که دیگر از پارلمان نیز چیزی باقی نمانده و عملاً شهروندان کشور اعتماد خود را نسبت به آن از دست داده‌اند.

اعضای فعلی پارلمان که معیاد قانونی کارشان، دو سال پیش به پایان رسیده، در یک توافق مصلحتی همچنان در کرسی‌های خود قرار دارند و از حقوق و امتیازهای‌شان به صورت غیرقانونی استفاده می‌برند. در حالی که ادامه کار پارلمان فعلی بر هیچ بنیاد و اصل قانونی استوار نیست و رییس جمهوری در ادامه حرکت‌های غیرقانونی دیگرش، معیاد کار آن را برای مدت نامعلومی تمدید کرده است.

آیا چنین صلاحیتی را رییس جمهوری کشور از قانون اساسی گرفته، همان سندی که او خود را متعهد به آن می‌داند و حتا باور دارد که بر مبنای همین قانون اساسی، او رییس جمهوری افغانستان است؟ پس بر چه اساسی رییس جمهوری دست به اقدامی می‌زند که به گفته یکی از منتقدان دولت وحدت ملی، نظیرش را حتا در کوریای شمالی نیز نمی‌توان دید؟

دولت وحدت ملی مسوولیت دوچندان در برابر اصلاحات انتخاباتی و برگزاری آن دارد. از یک طرف، این دولت بر مبنای قانون اساسی کشور موظف به برگزاری انتخابات است و از جانب دیگر، در توافق‌نامه سیاسی‌بی که مبنای تشکیل دولت وحدت ملی است، این دولت وظیفه دارد که انتخابات را در زمان معین و با وارد کردن اصلاحات لازم انتخاباتی برگزار کند. پس دولت وحدت ملی چه زمانی می‌خواهد که به تعهدات خود عمل کند و فلسفه وجودی خود را ثابت سازد؟ اگر این دولت به توافق‌نامه سیاسی باور ندارد و آن را عملی نمی‌سازد، آن‌گاه برایش مشروعیتی نیز باقی نمی‌ماند که همچنان به حیات خود ادامه دهد.

حتا شمار دقیق جمعیت و مرزهای مناطق مختلف کشور روشن نیست، پیامدهای خطرناکی را می‌تواند به دنبال داشته باشد.

از سوی دیگر، این نهادها حکومت را انتقاد می‌کنند که اراده لازم برای برگزاری انتخابات آینده پارلمانی و شوراهای ولسوالی را در عمل هنوز نشان نداده و آنچه که در این عرصه از سوی مقام‌های کشور گفته می‌شود، تنها وعده است و احتمال می‌رود که در همین حد هم باقی بماند. این نهادها باور دارند که اگر دولت اراده لازم برای برگزاری انتخابات را می‌داشت، باید برای تأمین منابع مالی آن اقدام می‌کرد و همچنین کمیسیون انتخابات حداقل تقویم انتخابات را منتشر می‌ساخت. به گفته این نهادها، در عدم موجودیت این دو فاکتور، چگونه دولت موفق به برگزاری انتخابات خواهد شد؟

این نگرانی‌ها و ملاحظات در حالی مطرح می‌شوند که ریاست اجراییه کشور از برگزاری "به موقع" انتخابات آینده اطمینان می‌دهد. یکی از سخنگویان این نهاد می‌گوید که دولت برای برگزاری انتخابات و وارد کردن اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور، مصمم است و در این راستا گام‌هایی را نیز برداشته است. با این حال، چنین سخنانی نمی‌تواند از حجم نگرانی‌ها در مورد برگزاری انتخابات آینده بکاهد.

دولت افغانستان شاید برخی اقدام‌های نمادین را در عرصه انتخابات اعمال کرده باشد، ولی این اقدام‌ها به هیچ‌صورت تضمین‌کننده انتخابات شفاف و عادلانه در کشور نیست و حتا نسبت به اراده دولت و به‌ویژه ارگ ریاست‌جمهوری در برگزاری انتخابات آینده تردیدهایی وجود دارد.

شاید حالا که در آغاز راه قرار داریم، دولت خواسته باشد با ارایه چنین وعده‌هایی، حساسیت عمومی را نسبت به انتخابات تا حدی تلطیف سازد و این اطمینان کاذب را به وجود آورد که اقدام‌های لازم در این خصوص در حال انجام شدن اند، ولی در دقیقه نود که باید انتخابات برگزار شود، به بهانه‌های مختلف و از جمله نبود امنیت در

بحث‌های زیادی در مورد انتخابات وجود دارد و از جمله این‌که حالا حتا نهادهای ناظر بر روند انتخابات نیز نسبت به برگزاری آن و آنچه که مقام‌های کشور وعده آن را می‌دهند، کم‌باور و یا کاملاً بی‌باور شده‌اند. به گفته این نهادها، دولت وعده اصلاحات انتخاباتی را داده بود ولی تا هنوز در این عرصه به جز از جابه‌جایی اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی، کار مهم و قابل توجهی صورت نگرفته و از جانب دیگر، به گفته این نهادها حتا همین تغییر ساده نیز آن‌گونه که انتظار آن می‌رفت، با شرایط کامل انجام نیافته است.

این نهادها می‌گویند طرح تک‌کرسی‌سازی انتخابات که از سوی کمیسیون به ریاست جمهوری پیشنهاد شده، طرحی غیرواقع‌بینانه و پرچالش است که می‌تواند به نقض آشکار حقوق زنان و اقلیت‌ها منجر شود. این نهادها تذکر می‌دهند که طرح تک‌کرسی‌سازی انتخابات با شرایط دشوار افغانستان که

دفتر سازمان ملل در کابل:

احتمال فاجعه بشری در افغانستان وجود دارد

هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل در افغانستان اظهار داشت: نگرانی از احتمال فاجعه انسانی در این کشور وجود دارد.

باودن تصریح کرد که تنها در سال ۲۰۱۶ بیش از نیم میلیون افغان خانه خود را ترک کرده‌اند و در پی پناهگاه بوده‌اند. ۵۶ درصد از ۵۸۰ هزار نفر از این آوارگان را کودکان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند. اوایل سالجاری میلادی «استفان اوبراین» معاون دبیرکل سازمان ملل در امور بشردوستانه و امدادسانی اعلام کرده بود که مهاجران داخلی، بازگشت پناجویان، همچنین سوء تغذیه، کمبود خدمات بهداشتی و افزایش درگیری‌ها در افغانستان، وخامت بحران انسانی در این کشور را تشدید کرده است.

براساس آمارها، ۲٫۷ میلیون انسان در افغانستان از سوءتغذیه رنج می‌برند که یک میلیون از این تعداد را کودکان زیر پنج سال تشکیل می‌دهند. به ۳۵ درصد از این کودکان رسیدگی می‌شود و ۲۵ درصدشان درمان می‌شوند.

هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل در افغانستان اعلام کرد که جنگ در این کشور در حال فراموش شدن است و باید کمک‌های بیشتری به افغانستان شود.

مارک باودن هماهنگ کننده امور بشر دوستانه سازمان ملل در افغانستان در گفت‌وگو با مرکز خبری سازمان ملل اظهار داشت که باید کمک‌های بیشتری به آوارگان داخلی صورت گیرد همچنین درباره فقرزایی نیز تمرکز شود. وی تصریح کرد که جنگ افغانستان در حال فراموش شدن است و نگران غیرنظامیان هستیم.

مارک باودن خاطر نشان کرد که بر اساس آمار هیئت معاونت سازمان ملل در افغانستان در سال ۲۰۱۶ بیش از ۳ هزار و ۴۸۰ غیر نظامی کشته و ۷ هزار و ۹۲۰ تن دیگر هم زخمی شدند. عضو ارشد سازمان ملل در افغانستان تاکید کرد که این افزایش در تعداد کشته و زخمی‌ها به دلیل افزایش حملات هوایی، درگیری‌ها، حملات طالبان و حملات گروه تروریستی داعش در این کشور بوده است.



بازداشت افراد طالبان هنگام حفر دو تونل در کندز



این سو حفر این تونل‌ها را از داخل یک خانه شروع کرده بودند. امان‌الدین قریشی، ولسوال امام صاحب نیز با تأیید این موضوع می‌گوید که طالبان افزون بر حفر تونل، در حال استقرار مواضع شان در این ولسوالی اند و روزانه ۱۰ تا ۳۰ متر به سوی پاسگاه‌های ارتش در حال پیشروی بوده‌اند.

طالبان سال گذشته نیز با حفر یک تونل در منطقه پل مؤمن ولسوالی دشت‌ارچی و حمله بر یک پاسگاه ارتش، نزدیک به ۱۰ سرباز را کشتند.

مسئولان امنیتی در کندز می‌گویند، سه برادر وابسته به گروه طالبان را هنگام حفر تونل برای حمله بر پاسگاه‌های امنیتی از ولسوالی امام‌صاحب بازداشت کردند.

بشیر احمد فدایی، آمر هماهنگی کندک سوم لوی اول ارتش در ولسوالی امام‌صاحب کندز به سلام‌وطندار می‌گوید، این سه طالب روز گذشته هنگامی از روستای اسماعیل این ولسوالی بازداشت شدند که دو تونل را به درازای ۱۵۰ و ۷۰ متر حفر کرده و به پاسگاه ارتش نزدیک شده بودند.

به گفته او، این افراد از یک هفته به



ابوبکر صدیق

معاون رییس جمهور در مراسم معرفی سرپرست وزارت معادن:

کمک‌های خارجی زمینه مداخله را فراهم می‌کند

امنیت معادن تلاش نهایی خود را به‌خروج دهند، گفت که هنوز چالش‌های وجود دارد که با نهایی ساختن اصلاحات و تعدیل قوانین منالها که برخی از پروژه‌ها تاکنون به‌خاطر تعدیل آن به حالت تعلیق در آمده است، مشکلات کاهش خواهد یافت.

او گفت که در برخی از سمت‌ها از فارغان صنوف دوازده و افرادی که برابر به تقاعد هستند استفاده می‌شود، در حالی که افرادی به مقطع لسانس و مافوق لسانس در رشته‌های مختلف بیکار هستند. از سویی هم، نرگس نهران در نشست معرفی‌اش به عنوان سرپرست وزارت معادن و با بیان این‌که پرسش‌های مبنی بر خود کفایی افغانستان وجود دارد، گفت: معادن برای خود کفایی کشور نقش مهم و حیاتی دارد.

بانو نهران اضافه کرد که از معادن تا هنوز دشمنان افغانستان استفاده کرده که به ضرر مردم بوده است و با زورمندی محلی تمام معادن را به تاراج برده‌اند که برای هیچ فردی قابل قبول نیست.

سرپرست وزارت معادن خاطر نشان کرد: ما نباید وزارتی باشیم که چند قرارداد را امضا کنیم و بس! ما باید وزارت نه تنها به سطح افغانستان بلکه به نرگس نهران پیش از این بحیث رییس واحد انسجام پالیسی حکومت وحدت ملی، رییس عمومی خزاین وزارت مالیه، معاون دانشگاه کابل، مشاور ارشد مالی و اداری وزیر آموزش و پرورش و مشاور ارشد پلانگذاری و هماهنگی در وزارت تحصیلات عالی کار کرده است.

نشده، از موقوفش کناره‌گیری کرد.

سرور دانش گفت، افغانستان نمی‌تواند همیشه تکیه بر کمک‌های خارجی داشته باشد، در حالی که تکیه بر منابع خارجی زمینه مداخله را مساعد می‌سازد.

او گفت که "تمام کدرهای ما باید از باورهای قبیله‌یی عبور کرده به یک سیاست دراز مدت برای رشد اقتصادی کشور بی‌اندیشند."

آقای دانش بیان کرد که حکومت وحدت ملی همگرایی اقتصاد منطقه‌یی را یکی از اصل‌های اساسی در سیاست خارجی کشور می‌داند.

آقای دانش با تأکید افزود که سرمایه‌گذاری در بخش دانش‌کده‌ها و دیپارتمنت معادن در نهادهای آموزشی می‌تواند در عرصه مسلکی شدن استخراج معادن کمک کند.

او گفت که افغانستان از نگاه مساحت چهل یکمین و از نگاه نفوس چهارمین کشور جهان است و با موقعیت جغرافیایی، در همگرایی اقتصادی منطقه نقش قابل ملاحظه‌یابد.

آقای دانش تصریح کرد که تا هنوز از معادن افغانستان استفاده درست صورت نگرفته است، بیشتر این معادن به دست دشمنان افغانستان است و با توسط زورمندان محلی به شکل غیر قانونی استخراج می‌شود.

آقای دانش در ادامه سخنانش بیان کرد که مخالفان مسلح دولت از منابع معدنی استفاده کرده با باج‌گیری از معادن ماشین جنگی خود را فعال نگه‌میدارند، این حالت برای مردم و حکومت وحدت ملی نگران کننده است.

آقای دانش بایبان این‌که نهادهای مربوطه باید در تأمین

نرگس نهران از سوی رهبری حکومت وحدت ملی به حیث سرپرست وزارت معادن معرفی گردید.

محمد سرور دانش معاون دوم رییس حکومت وحدت ملی، دیروز شنبه (۲۱ حمل) در محفل معرفی نرگس نهران به عنوان سرپرست وزارت معادن گفت: مخالفان مسلح دولت از منابع معدنی استفاده کرده با باج‌گیری از معادن ماشین جنگی خود را فعال نگه‌می‌دارند.

آقای دانش افزود: از آنجایی که افغانستان در شرایط حساس امنیتی و سیاسی قرار دارد، نیاز به سیاست استراتژیک‌یک‌درد که در آن یکی از اولویت‌ها رشد اقتصاد کشور می‌باشد.

آقای دانش با بیان این‌که یکی از بنیادی‌ترین کارها برای خودکفا شدن کشور معادن است، گفت که افغانستان نظر به موقعیت جغرافیایی که دارد، از معادن غنی سنگ‌های قیمتی و منرال‌ها برخوردار است که تنها معادن حاجی‌گگ ۱۸ میلیارد تن آهن دارد.

به گفته او، بانو نرگس نهران، از بانوان پرکار است که تا هنوز در سمت‌های مختلف دولتی کار کرده و حال به عنوان سرپرست وزارت معادن معرفی شده در روزهای آینده نزدیک باکانبید وزرای جدید به مجلس نماینده‌گان جهت گرفتن رای تأیید معرفی خواهد شد.

در حالی که مجلس نماینده‌گان بارها به پایان سرپرستی در نهادهای دولتی تاکید کرده؛ اما تا به حال وزارت معادن توسط غزال حبیب‌یار، معاون آن سرپرستی می‌شد.

سال گذشته داوودشاه صبا، وزیر پیشین معادن به دلیلی که تا به حال در مورد جزئیات آن به گونه واضح چیزی گفته

هند همواره تلاش کرده که به امریکا نزدیک شده و از قربت با آن، سود اقتصادی و سیاسی به دست آورد. سرمایه‌گذاری ایالات متحده به‌ویژه در تأسیسات هسته‌یی هند، از جمله مثال‌های عمده آن می‌باشد. در ماه می سال ۲۰۱۱ میلادی، نیروهای دریایی ایالات متحده در یک عملیات مخفیانه بر ایت‌آباد پاکستان حمله کردند و اسامه بن‌لادن را به قتل رساندند. در ماه اگوست همان سال در نتیجه حمله هوایی نیروهای ایالات متحده در داخل خاک پاکستان، ۲۴ سرباز ارتش پاکستان کشته شدند که منجر به تیره‌گی روابط میان پاکستان و ایالات متحده و بسته شدن راه‌های مواصلاتی تورخم و سپین بولدک گردید. دو ماه پس از تیرگی روابط میان پاکستان، امریکا و افغانستان، هند قرارداد مشارکت راهبردی را با افغانستان به امضا رساند. ظاهراً افغانستان عقد این قرارداد با هند را یک ضربت سنگین به پاکستان می‌پندارد؛ در حالی که سود آن برای هند بازم به مراتب بیشتر از افغانستان بوده است. در گام نخست، هند با بستن چنین قراردادی و در چنین مرحله حساسی، خود را به عنوان جانشین مشروع نیروهای بین‌المللی به‌ویژه ایالات متحده در افغانستان معرفی کرد. دوم هند جایگاه خود در افغانستان را بیشتر از پیش مستحکم نمود و به نگرانی‌های پاکستان مهر اثبات نهاد. این نگرانی‌ها (افزایش قدرت و نفوذ شورشیان جدایی طلب بلوچ، پشتونستان آزاد و قوم‌محور و همچنین رقابت امنیتی با هند) بنیاد سیاست مداخله پاکستان در افغانستان را تشکیل می‌دهد. سوم هند با بستن این قرارداد و با دست یافتن به "عمق استراتژیک" نفوذ خود بالای سیاست خارجی افغانستان در قبال پاکستان را محکم ساخت. این در حالی است که با توجه به وضعیت سیاسی - امنیتی که افغانستان با آن دست و پنجه نرم می‌کند، به دور از انتظار خواهد بود که افغانستان بتواند بالای سیاست خارجی هند تأثیرگذار واقع شود. در این میان، این هند است که از فرصت‌های موجود در افغانستان سود بیشتر می‌برد. به عنوان مثال: بندر چابهار که تمام هزینه آن را هند پرداخت کرده است، در واقع در تحکیم مجدد روابط میان ایران و هند موثریت دارد و برای افغانستان سود چندانی ندارد. هند که در زمان وضع تحریم‌های اقتصادی بالای ایران با ایالات متحده همسویی کرده بود، در پی تلافی آن با

ایران است و اعمار بندر چابهار این فرصت را فراهم کرد. افزون بر این، با توجه به سیاست ایران نسبت به افغانستان و همچنان روابط میان ایران و پاکستان، ایران و امریکا، ایران و روسیه و افغانستان و امریکا؛ بندر چابهار بیشتر ظرفیت یک تهدید به افغانستان را دارد تا یک فرصت توسعه اقتصادی. با درک سیاست داخلی در پاکستان و صف‌بندی‌های جهانی، هر چند پاکستان نزدیک‌تر به عربستان قرار دارد تا ایران، ولی سرحد مشترک، تهدیدهای امنیتی مشترک در مناطق بلوچستان و منافع مشترک از بابت نفت در مناطق بلوچستان، اهمیت و نیاز این دو کشور به یکدیگر را در مقایسه با جایگاه افغانستان بیشتر می‌سازد. با توجه به نقش حمایتی هند از جدایی‌طلبان بلوچ، بندر چابهار ابزار فشار بالای هند را در اختیار ایران قرار داده است. برنامه‌های وصل منطقه‌یی به آسیای مرکزی مانند پروژه تاپی و کاسا-۱۰۰۰ در انکشاف اقتصادی در درازمدت ممکن ممد واقع شود، ولی در تأمین امنیت و ثبات سیاسی در کوتاه‌مدت در افغانستان زیاد امیدبخش به نظر نمی‌رسد؛ زیرا از یک‌طرف سیاست‌های داخلی کشورهای آسیای مرکزی منوط به ارتباطاتشان با روسیه بوده و تحت نفوذ آژندای جهانی آن قرار دارد و از طرف دیگر، وضعیت امنیتی در افغانستان هزینه واقعی این پروژه‌ها را به مراتب بالا می‌برد. و این در حالی است که چین برنامه‌های موثرتر و عملی‌تر برای استفاده از ظرفیت‌های منابع طبیعی این کشورها را از قبل روی دست گرفته و اکنون در مرحله اجرا قرار داده است. هند باز هم در این میان تلاش دارد که منافع خود را تأمین نماید. هند همچنان سعی می‌کند که از مجرای ارتباطات با افغانستان، قدرت چین در منطقه جنوب آسیا را متوازن کند. چین طی چندین سال از پاکستان

برای مقابله با هند استفاده کرده است و هند می‌خواهد این اقدامات چین را جبران کند. برای همین چین از سال ۲۰۰۲ میلادی بدین سو فقط ۲۵۵ میلیون دالر به افغانستان کمک کرده، در صورتی که هزینه کمک‌های آن به پاکستان در قالب ابزارهای نظامی و برنامه‌های اقتصادی، به میلیاردها دالر می‌رسد. این درحالی است که کمک‌های هند به افغانستان اندک و غیر قابل مقایسه با کمک‌های چین به پاکستان می‌باشد. هند حتی نتوانسته معاملات تجاری خود با افغانستان را به اندازه پاکستان افزایش دهد. داد و ستد تجاری میان افغانستان و پاکستان تنها در سال ۲۰۱۱ به ۱.۱ میلیارد دالر می‌رسید، در حالی که تجارت افغانستان و هند فقط ۱۷۴.۳ میلیون دالر بوده است. هند همچنان از طریق قرارداد مشارکت راهبردی، حمایت افغانستان را برای عضویت دائمی در شورای امنیت سازمان ملل حاصل نموده است.

۱- سیاست واقعی، نه امید

امید بستن بدیل خوبی برای سیاست واقعی نبوده و ایجاد برنامه‌های واهی در میان مدت و درازمدت چاره‌ساز نمی‌باشد. روی دست گرفتن برنامه‌های وصل منطقه‌یی امیدوارکننده به نظر می‌رسد اما با توجه به چالش‌های درون‌دولتی در کشورهای همسایه افغانستان و منوط بودن برنامه‌های اقتصادی به سیاست‌های داخلی در این کشورها، برنامه‌های وصل منطقه‌یی، زیاد عملی نمی‌نماید. رویکرد کنونی سیاست خارجی افغانستان با هند و پاکستان به یک روال فاصله‌زدایی شبیه است؛ به این معنی که افغانستان روابط خود با دهلی نو و اسلام‌آباد را بدون در نظر داشت رقابت امنیتی متمرکز و دیرینه‌یی که بین این دو کشور وجود دارد، تعریف می‌کند و یک چنین رویکردی، موثریت هر نوع تلاش برای ثبات در

افغانستان را خنثا می‌سازد. یکی از مؤلفه‌های اساسی برای حل بحران افغانستان، حل تنش‌ها میان هند و پاکستان بر سر مسأله کشمیر می‌باشد و افغانستان نباید به نیابت از هند با پاکستان سیاست تشدید را پیش گیرد. افغانستان با توجه به اهمیت اندک استراتژیک خویش در منطقه و جهان، باید در گام نخست اهداف منافع ملی خود را در مطابقت با منافع همسایه‌گانش تعریف نماید و در درازمدت افغانستان باید سیاست همکاری و بی‌طرفی را پیش گیرد. دولت‌مردان افغانستان باید بدانند که نه هند دوست طبیعی افغانستان می‌باشد و نه پاکستان دشمن طبیعی ما. افغانستان نباید تحت هیچ شرایطی دوستی با هند را به قیمت دشمنی با پاکستان به دست آورد؛ زیرا یک چنین رویکردی بیشتر پیامد صفر-کل به نفع هند را در قبال دارد.

هنجارسازی مجدد روابط میان افغانستان و پاکستان در کوتاه‌مدت و ایجاد فضای اعتماد و حسن نیت در درازمدت، نیازمند چند رویکرد قاطع از جانب افغانستان می‌باشد که یکی آن، به برنامه‌ریزی درازمدت و متبانی به اقدامات سریع کوتاه‌مدت نیاز دارد.

نخست افغانستان باید طی یک گفت‌وگو ملی، مسأله خط دیورند را ابتدا در داخل و بعد با وساطت کشورهای بی‌طرف با پاکستان حل و فصل کند. درست است که راه‌اندازی چنین گفت‌وگویی حساسیت‌های مردمی را در پی دارد، اما با توصل به منطق و مدارک مستدل این مسأله قابل حل می‌باشد. در حال حاضر موقف‌گیری‌های افغانستان در پیوند به مسأله خط دیورند، احساساتی - عاطفی بوده و بدون در نظر داشت منافع ملی می‌باشد. لایبست‌های هند در افغانستان بیشتر به نیابت از هند - که در پی تلافی اقدامات پاکستان در کشمیر هست - به موضوع خط دیورند می‌پردازند و از احساسات مردم افغانستان بهره می‌کشند.

دوم، افغانستان باید سریع به منحل کردن وزارت اقوام، قبایل و سرحدات گام بردارد و آن را از تشکیلات دولت حذف کند. وجود چنین وزارت‌خانه‌یی نه تنها اهانت به مردم افغانستان می‌باشد، بلکه تهدید جدی به امنیت داخلی آن توسط پاکستان نیز تلقی می‌گردد. پاکستان همواره تلاش ورزیده که مناطق قبایلی را از چوکات مقرر جرایم سرحدات کشیده و وارد ساختار حقوقی رسمی آن کشور نماید، اما افغانستان با شیوه‌های مختلف با آن مخالفت کرده است.

سوم، افغانستان باید هرچه زودتر به بازنگری موقعیت تأسیسات دیپلماتیک هند در افغانستان به‌ویژه قنصلگری‌های آن در قندهار و ننگرهار پرداخته و گزینه‌های بدیل و مناسب‌تر آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. چنان‌که قبلاً تذکر داده شد، رویکرد سیاست خارجی افغانستان نسبت به هند و پاکستان، باید در روشنی رقابت متمرکز میان این دو کشور تعریف شود. بدون شک، پاکستان استقرار تأسیسات دیپلماتیک هند را در نزدیکی مناطق قبایلی آن، با توجه به میزبانی هند از شورشیان جدایی طلب بلوچ و پشتون‌های قوم‌گرا، تهدید جدی امنیتی تلقی می‌کند. هند باید با درک وضعیت حساس افغانستان، برای تغییر موقعیت تأسیسات دیپلماتیک خود با افغانستان همکاری نماید.

چهارم، افغانستان باید به مناطق جنوب و جنوب‌شرق توجه بیشتر نموده و از مبدل شدن آن به لانه امن برای شورشیان خارجی جلوگیری نماید. ادعای پاکستان بر جابه‌جایی شورشیان چون تحریک طالبان پاکستان و غیره در این مناطق آن قدر هم بی‌اساس نیست و نگرانی‌های پاکستان از این نواحی نیازمند تعمق و حقیقت‌یابی بیشتر می‌باشد تا واکنش‌های احساساتی. اگر دیده شود، این مناطق یا قسماً و یا هم کاملاً زیر کنترل مخالفین مسلح دولت افغانستان قرار دارد و با توجه به همفکری و همسویی شورشیان در هر دو کشور، آن‌ها از امکانات یکدیگر استفاده می‌کنند. افزون بر این، ماهیت سرحد میان افغانستان و پاکستان، به آن‌ها اجازه می‌دهد تا هم از مرز به‌ساده‌گی عبور کنند و هم از شلاق حکومت‌های خود در امان باشند.

هند

و آزمون دوستی

با افغانستان





یوسف و زلیخا

چه‌گونه به نام فردوسی بسته شد؟

(یادداشتی بر یوسف و زلیخا از محمدامین ریاحی)

بعد از انتشار تحقیقات سه دانشمند بزرگ، زنده‌یادان: محمود شیرانی، عبدالعظیم قریب، مجتبی مینوی، امروز برای هیچ‌کس هیچ‌گونه تردیدی نمانده است که مثنوی یوسف و زلیخایی که در قرون متأخر به نام استاد بزرگ طوس بسته شده بود، از او نیست. اما هنوز پاسخ این پرسش باقی است که چه کسی و با چه نیتی و چه‌گونه این منظومه سست و خام و مغایر با جهان‌بینی آن حکیم بزرگ را به نام او نسبت داده، و نزدیک به شش‌قرن پژوهنده‌گان و دوستان‌اران او را به حیرت افکنده است؟

برای خواننده‌گان جوانی که شاید با تاریخچه انتساب آن منظومه به فردوسی آشنا نبوده، یا آن را فراموش کرده باشند، نخست به سابقه موضوع به اختصار اشاره می‌کنم تا ضمن فراهم شدن زمینه بحث، نام و یاد بزرگ‌مردانی هم که پژوهش‌های اساسی در این باره کرده‌اند، زنده شود و حق‌شان ادا شده باشد.

تا چهارصد سال بعد از فردوسی هرجا سخنی از او یا از سراینده‌گان داستان یوسف و زلیخا به میان آمده، مطلقاً ذکری و اشاره‌یی به این‌که سراینده شاهنامه ارتباطی با این قصه داشته، نشده است. نخستین بار در مقدمه بایسنغری شاهنامه که در ۲۸۹ ه. ق تدوین شده، به دنبال افسانه بی‌اساس رفتن فردوسی به بغداد که در پاره‌یی از مقدمه‌های قدیمی‌تر داخل شده بود، این دروغ افزوده شده است که: «چون فردوسی در بغداد رخت اقامت بینداخت، و کتاب شهنامه را خلیفه و اهل بغداد به جهت آن‌که مدح ملوک عجم بود و ایشان آتش‌پرست و مجوس بوده‌اند عیب می‌کردند، فردوسی قصه یوسف را به نظم آورد. چون قصه یوسف به عرض رسانید، خلیفه و اهل بغداد را به غایت خوش آمد و در تربیت او افزودند.» (از این به بعد است که در بعضی تذکره‌ها یوسف و زلیخا را به فردوسی نسبت داده‌اند، اما بعضی تذکره‌نویسان سستی اشعار آن مثنوی را برانزده طبع والای فردوسی نمی‌دانسته‌اند، یا به ملاحظه نامعقول بودن این افسانه که حکیم طوس منظومه را به نام خلیفه سروده و خلیفه عربی زبان فارسی‌ندان را به غایت خوش آمده باشد، این موضوع را ندیده گرفته‌اند. مثلاً آذر بیگدلی که ادعای شاعری و شعرشناسی داشته و خود یوسف و زلیخایی سروده بوده، گفته

است که: «فردوسی در سرودن آن به علت کسالت و کثرت سن سعی بلیغ نکرده، و رضا قلی خان هدایت هم که افسانه پناه بردن فردوسی به خلیفه عباسی را نمی‌پسندیده، آن را بدین صورت درآورده است که فردوسی از مازندران به مکه رفت و این قصه را نه در بغداد، بلکه در مکه سرود.»

در صد سال اخیر که تحقیقات علمی در زمینه زبان و ادب فارسی به‌وسیله ایران‌شناسان اروپایی آغاز گردیده و از طرف فارسی‌زبانان دنبال شده، دانشمندان بزرگی مثل نلدر، اتنه و تقی‌زاده هم به استناد یک مقدمه نقلی که کاتب آن را بر یوسف و زلیخای عامیانه‌یی افزوده بود، به دام دروغی که نخستین بار آن را در مقدمه بایسنغری دیده بودند، افتادند و برای رفع و رجوع تناقضات موضوع کوشش‌ها کردند.

سرانجام این ابر تیره از چهره آفتاب شعر و شخصیت فردوسی زوده شد. نخست در ۱۹۲۲ م پروفیسور محمود شیرانی، شاهنامه‌شناس تیزبین هندوستانی که تسلط شگرفی بر دقایق و ظرایف زبان و ادب فارسی داشت، با مقایسه سبک و زبان و ارزش هنری شاهکار فردوسی با یوسف و زلیخا، و عظمت شخصیت و قدرت اندیشه و جهان‌بینی دانای طوس با ابتذال فکر و روح گوینده ناشناخته یوسف و زلیخا، و بررسی نمونه‌هایی از نحوه بیان و اوصاف و مضامین و تعبیرات و ترکیبات و کنایات و تشبیهات و استعارات در دو منظومه، نتیجه قطعی گرفت که آن مثنوی خام و بی‌ارزش از آفریننده شاهکار جاودانی ایران نمی‌تواند باشد و گفت: «چه نسبت خاک را با عالم پاک!»

آن عالم بزرگ به قرینه زبان و بیان، درباره تاریخ نظم کتاب هم حدسی نزدیک به حقیقت زد که آن منظومه بعد از گرشاسب‌نامه اسدی که در ۴۵۸ ه. ق سروده شده، و قبل از اسکندرنامه نظامی، و هم‌زمان با حقیقه سنایی، در حدود نیمه اول قرن ششم سروده شده است.

در ایران نخستین بار در ۱۳۱۸ ه. ق مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب، ظاهراً بدون اطلاع از تحقیقات محمود شیرانی، ضمن مقاله‌یی، با بررسی مقدمه دست‌نویسی از منظومه که در کتابخانه خود داشت، اعلام کرد که یوسف و زلیخا از فردوسی نیست. سرانجام زنده‌یاد مجتبی مینوی با بررسی

کهن‌ترین دست‌نویس کتاب که افزوده‌های کاتبان را نداشت، ضمن مقاله مفصل دقیق ممتعی که همیشه تازه و خواندنی خواهد بود، نتیجه قطعی گرفت که «این منظومه سست و سخیف و رکیک و خام و پست» را ناظم بی‌مایه‌یی برای اهدا به شمس‌الدوله ابوالفوارس طغان‌شاه برادر ملک‌شاه سلجوقی سروده، و در آن تاریخ ملک‌شاه ممدوح را به علت ظلم و عسبان، از حکومت هرات گوینده "شمسی" تخلص داشته و این تخلص را هم از لقب ممدوح "شمس الدوله" گرفته بوده است. مینوی این منظومه را برای تمایز از سایر مثنوی‌های مشابه، "یوسف و زلیخای طغان‌شاهی" نامید.

پس این منظومه را چه کسی و چرا و چه‌گونه و با چه نیتی به نام فردوسی بسته است، و با کدام قلم عادی از دقت و امانت وارد مقدمه بایسنغری شده است؟

در وهله اول ممکن است چنین تصور شود که کاتبی فقط برای این‌که دست‌نویس خود را گران‌تر بفروشد (نظیر نسخه‌هایی که ادعا می‌شود به خط مؤلف یا منقول از خط مؤلف است)، نام بزرگ‌ترین شاعر ایران را به عنوان سراینده یوسف و زلیخا بر کتاب نهاده باشد. یک قرینه هم مؤید این تصور خواهد بود که می‌بینیم در هیچ جای متن نه در مقدمه و نه در مؤخره آن نامی از فردوسی نیامده و هیچ اشاره‌یی که با حوادث زنده‌گی فردوسی و محیط زنده‌گی و معاصران او کوچک‌ترین ارتباطی داشته باشد، در متن منظومه نیست. بنا بر این کتاب، شنیده بوده که فردوسی هم یوسف و زلیخایی سروده، و آن نام عزیز و بزرگ را عمداً یا سهواً بر نسخه خود نهاده است.

اما به طوری که در سطور زیر خواهیم دید، آن غلط مشهور به طور تصادفی و به این ساده‌گی پدید نیامده است. بلکه نخستین بار مورخ عبارت‌پرداز چاپلوسی به نام شرف‌الدین یزدی در بیان یک حادثه جنگی برای اثبات شجاعت ممدوح، این دروغ را جعل کرده است. به نوشته او تیمور گورگان فقط به همراهی ۲۴۳ تن شهر قرشی را دو شبانه‌روز محاصره کرده، آن‌گاه دوهزار سوار مدافع آن را شکست داده و شهر را گشوده و غارت کرده است، و شخصاً به دنبال فراریان تاخته و زن و بچه بی‌گناه را کشته و اسیر کرده، و با این شجاعت‌ها

معزی کسی نبود که
عظمت مقام دانای طوس
و ارزش والای سخن
او را نشناسد. مگر او
خود داستان پشیمانی
محمود را از رفتار با
فردوسی و مناعت طبع
دختر والاگهر حکیم را
در رد صله سلطان برای
نظامی عروضی روایت
نکرده بود؟ پس حق
نبود چنین حرفی بزند.
اما چه می‌توان کرد؟ اوج
سال‌های شاهنامه‌ستیزی
بود و او قصیده خود را
در مدح سلطان سلجوقی
می‌سرود که "عهد ولوا"
از خلیفه بغداد داشت

بخش نخست

بر افتخارات قهرمانی خود افزوده است. تاریخ‌نویس متعهد که تصور می‌کرد این‌همه خونخواری و ویرانگری تیمور صاحب‌قران ممکن است برای خواننده‌گان باور نکردنی باشد، برای اثبات نوشته خود می‌گوید در این لحظه که این مطلب را می‌نویسم، بعضی از شاهدان واقعه حضور دارند و گواهی می‌دهند نوشته من عین واقع است و مثل لاف‌وگراف فردوسی درباره پهلوانان شاهنامه نیست.

پهلوانان شاهنامه، همیشه در نزد فارسی‌زبانان بالاترین نمونه‌های دلآوری و مردانه‌گی بوده‌اند، و شاعران حق داشتند ممدوحان خود را به آن‌ها تشبیه کنند و تا این‌جا عیبی هم نداشت. در آن میان، ترجیح دادن ممدوحان حقیری هم که جزو فضیلت و انسانیت بودند، مضمون کهنه‌یی بود که از شاعران دربار محمود آغاز گردیده و از بس تکرار شده بود، به ابتذال کشیده بود و اغراق شاعرانه‌یی به شمار می‌رفت که دیوان‌های عصر غزنوی از آن لبریز است.

نوبت به معزی رسید که به ربودن مضامین اشعار گذشته‌گان شهرت داشت تا جایی که انوری درباره او گفته است:

کس دامن از اکابر گردنکشان نظم

کاو را صریح خون دو دیوان به گردن است
معزی خواسته ابتکاری به خرج دهد و مضمون کهنه مبتذل را تازه‌گی بخشد و پایه اغراق را بالاتر برد. این است که پای فردوسی را به میان کشیده و ضمن قصیده مدحیه‌یی، ابیات زشت و بی‌مزه‌یی سروده که نمونه‌اش این است:

من عجب دارم ز فردوسی که تا چندین دروغ

از کجا آورد و بیهوده چرا گفت آن سمر؟

ما همی از زنده گویم، او همی از مرده گفت

آن ما یکسر عیان است، آن او یکسر خبر

معزی کسی نبود که عظمت مقام دانای طوس و ارزش والای سخن او را نشناسد. مگر او خود داستان پشیمانی محمود را از رفتار با فردوسی و مناعت طبع دختر والاگهر حکیم را در رد صله سلطان برای نظامی عروضی روایت نکرده بود؟ پس حق نبود چنین حرفی بزند. اما چه می‌توان کرد؟ اوج سال‌های شاهنامه‌ستیزی بود و او قصیده خود را در مدح سلطان سلجوقی می‌سرود که "عهد ولوا" از خلیفه بغداد داشت.

مضمون معزی را، شرف‌الدین یزدی که کارش دستبرد زدن به آثار دیگران بود و هیچ ظفرنامه‌اش برگرفته از ظفرنامه نظام‌الدین شامی ست، ربوده و به نشر بیان کرده است: «و این حکایتی واقعی است که صحتش به تواتر پیوسته، نه از قبیل لاف و گراف که فردوسی در شاهنامه برای سخنوری و فصاحت گستری بر بعضی مردم بسته!»

سخن معزی شعر بود و شعر آفریده خیال شاعر است و احتیاج به دلیل و برهان هم ندارد. اما مورخ ابن‌الوقت، مضمون را به نشر نوشته که باید منطقی و مستدل باشد، آن‌هم در یک متن تاریخی ظاهراً جدی که هر جزئی‌اش باید متکی به دلیل و سند باشد. بهترین و قوی‌ترین دلیل هم در این‌جا اعتراف‌نامه‌یی از خود شاعر می‌تواند باشد که گفته آن‌چه از داستان‌های قهرمانی رستم سروده‌ام، پاک دروغ است و حالا آخر عمری از آن‌همه پشیمانم!

نمایندگان:

سرپرستان اداره‌ها را با چالش مواجه ساخته‌اند



شماری از نمایندگان مجلس می‌گویند که ادامه سرپرستی در وزارتخانه‌ها، کارهای مراجعین را با مشکلات جدی مواجه ساخته و حکومت هرچه زودتر باید نامزد وزرای جدید را معرفی کند. نمایندگان تأکید دارند که اداره وزارت‌ها توسط سرپرستان به ویژه در وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی مشکلات جدی را به بار آورده است. محمد حسین فهیمی رییس کمیسیون تقویت مرکزی مجلس نمایندگان در این مورد به خبرگزاری جمهور گفت: "تاخیر در معرفی نامزد وزرا، اداره کشور را با مشکل مواجه ساخته است؛ زیرا سرپرستان آنطوری که باید صلاحیت اجرایی ندارند و بسیاری از کارها را نمی‌توانند انجام دهند." آقای فهیمی افزود، سستی و کندی کار در ادارات و وزارت‌خانه‌ها به نفع کشور نیست و نامزدان باید هرچه زودتر معرفی شوند. نظیفه زکی عضو دیگر مجلس هم گفت که رییس جمهور باید هرچه زودتر به سرپرستی در وزارتخانه‌ها پایان داده و نامزد وزرای جدید را معرفی کند. خانم زکی افزود، کار مراجعین در وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی به حد آخر رسیده و روزانه صدها نفر در این وزارت‌ها سرگردان هستند." بر اساس قانون سرپرستی، یک وزارت نباید بیشتر از دو ماه توسط سرپرست اداره شود؛ اما ده وزارت خانه حکومت نزدیک به ۷ ماه می‌شود که خلاف قانون توسط سرپرست‌ها اداره می‌شوند. هفت وزیر کابینه ۶ ماه پیش توسط مجلس رد صلاحیت شدند که آنان نیز به دستور رییس جمهور برخلاف قانون تاهنوز به کارشان ادامه دهند. بر اساس قانون اساسی، وزیر پس از رد صلاحیت حتی یک روز هم نمی‌تواند در وزارت باقی بماند. با این وجود، رییس جمهور غنی سه هفته پیش در دیدار با هیات اداری و اعضای شورای ملی وعده داده بود که نامزد وزرای جدید را برای تکمیل شدن کابینه به مجلس معرفی می‌کند. سرور دانش معاون دوم ریاست

وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی به حد آخر رسیده و روزانه صدها نفر در این وزارت‌ها سرگردان هستند." بر اساس قانون سرپرستی، یک وزارت نباید بیشتر از دو ماه توسط سرپرست اداره شود؛ اما ده وزارت خانه حکومت نزدیک به ۷ ماه می‌شود که خلاف قانون توسط سرپرست‌ها اداره می‌شوند. هفت وزیر کابینه ۶ ماه پیش توسط مجلس رد صلاحیت شدند که آنان نیز به دستور رییس جمهور برخلاف قانون تاهنوز به کارشان ادامه دهند. بر اساس قانون اساسی، وزیر پس از رد صلاحیت حتی یک روز هم نمی‌تواند در وزارت باقی بماند. با این وجود، رییس جمهور غنی سه هفته پیش در دیدار با هیات اداری و اعضای شورای ملی وعده داده بود که نامزد وزرای جدید را برای تکمیل شدن کابینه به مجلس معرفی می‌کند. سرور دانش معاون دوم ریاست

شماری از نمایندگان مجلس می‌گویند که ادامه سرپرستی در وزارتخانه‌ها، کارهای مراجعین را با مشکلات جدی مواجه ساخته و حکومت هرچه زودتر باید نامزد وزرای جدید را معرفی کند. نمایندگان تأکید دارند که اداره وزارت‌ها توسط سرپرستان به ویژه در وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی مشکلات جدی را به بار آورده است. محمد حسین فهیمی رییس کمیسیون تقویت مرکزی مجلس نمایندگان در این مورد به خبرگزاری جمهور گفت: "تاخیر در معرفی نامزد وزرا، اداره کشور را با مشکل مواجه ساخته است؛ زیرا سرپرستان آنطوری که باید صلاحیت اجرایی ندارند و بسیاری از کارها را نمی‌توانند انجام دهند." آقای فهیمی افزود، سستی و کندی کار در ادارات و وزارت‌خانه‌ها به نفع کشور نیست و نامزدان باید هرچه زودتر معرفی شوند. نظیفه زکی عضو دیگر مجلس هم گفت که رییس جمهور باید هرچه زودتر به سرپرستی در وزارتخانه‌ها پایان داده و نامزد وزرای جدید را معرفی کند. خانم زکی افزود، کار مراجعین در

دولسی جرگیو کمپسیون د افغانستان پوهنیز وضعیت ارزوی

د سیکار د راپور تر خپرېدو وروسته د ولسي جرگې د پوهنې او فرهنگي چارو کمپسیون د افغانستان د پوهنيز وضعیت ارزولو خبره کوي. د سیکار یا د افغانستان د بیارغونېخه د امریکا د خار ادارې وروستی راپور د افغانستان د ولسي جرگې د پوهنې او فرهنگي چارو کمپسیون اړ اېستي چې د افغانستان د معارف ارزونه وکړي. د دغه کمپسیون غړې او په ولسي جرگه کې د بلخ ولایت د خلکو استازې برېښنا ربیع د شنې په ورځ ازادي راډیو ته وویل چې د دوی ارزونې به له کابل په پل او د هېواد ټولو ولایتونو ته وغځېږي. نوموړې زیاته کړه: "له دې وروسته مو پرېکړه کړې چې پوهنیزوونځیو ته به څو، ولایتونو ته به سفرونه کوو او د لارې به له کابل په پل، موږ هر څه له نېردي ارزو چې په پوهنیزوونځیو کېځه روان دي او وضعیت په کېڅنگه دی او دا په ټولو ولایتونو کې سل په سلو کې تعقیوو." له دې یوه ورځ وړاندې سیکار یا د افغانستان د بیارغونېخه د امریکا د خار ادارې یو راپور خپور کړی چې له مخې په ۲۰۱۶ میلادي کال کې د افغانستان د پوهنې د سستم د ښه والي، د ښوونکو د معاشونو او د ښوونکو د روزنې په برخه کې ۸۶۸ میلیونې لگول شوي دي. خو د دغه راپور موندنېسې چې یوازې د بلخ ولایت په ۲۶ ښوونځیو کې د برېښنا سستم غېر فعاله، د ښوونکو شمېر د ورکړل شویو ارقامو څه کم او ۳۰ سلنه

د سیکار د راپور تر خپرېدو وروسته د ولسي جرگې د پوهنې او فرهنگي چارو کمپسیون د افغانستان د پوهنيز وضعیت ارزولو خبره کوي. د سیکار یا د افغانستان د بیارغونېخه د امریکا د خار ادارې وروستی راپور د افغانستان د ولسي جرگې د پوهنې او فرهنگي چارو کمپسیون اړ اېستي چې د افغانستان د معارف ارزونه وکړي. د دغه کمپسیون غړې او په ولسي جرگه کې د بلخ ولایت د خلکو استازې برېښنا ربیع د شنې په ورځ ازادي راډیو ته وویل چې د دوی ارزونې به له کابل په پل او د هېواد ټولو ولایتونو ته وغځېږي. نوموړې زیاته کړه: "له دې وروسته مو پرېکړه کړې چې پوهنیزوونځیو ته به څو، ولایتونو ته به سفرونه کوو او د لارې به له کابل په پل، موږ هر څه له نېردي ارزو چې په پوهنیزوونځیو کېځه روان دي او وضعیت په کېڅنگه دی او دا په ټولو ولایتونو کې سل په سلو کې تعقیوو." له دې یوه ورځ وړاندې سیکار یا د افغانستان د بیارغونېخه د امریکا د خار ادارې یو راپور خپور کړی چې له مخې په ۲۰۱۶ میلادي کال کې د افغانستان د پوهنې د سستم د ښه والي، د ښوونکو د معاشونو او د ښوونکو د روزنې په برخه کې ۸۶۸ میلیونې لگول شوي دي. خو د دغه راپور موندنېسې چې یوازې د بلخ ولایت په ۲۶ ښوونځیو کې د برېښنا سستم غېر فعاله، د ښوونکو شمېر د ورکړل شویو ارقامو څه کم او ۳۰ سلنه



بودجه شورای عالی صلح قطع می‌شود

آن ۱۸ هزار دالر و کمترین حقوق بیش از ۱۷۰۰ دالر است. حقوق ماهانه ۹۲ کارمند دبیرخانه شورای عالی صلح ۹۲ هزار و ۸۳۰ دالر است که بالاترین حقوق ۷۰۰۰ دالر و پایین‌ترین آن ۲۰۰ دالر است. ۷۶ کارمند اداری، امنیتی و حمل و نقل این شورا، ۲۴ هزار و ۶۹۱ دالر حقوق می‌گیرند که بیشترین حقوق ۱۰۰۰ دالر و پایین‌ترین آن بیش از ۲۰۰ دالر است. حقوق ماهانه ۱۶۵ کارمند شورای عالی صلح، در بیش از ۳۰ ولایت افغانستان هم ماهانه به ۲۴۶ هزار و ۷۵۰ دالر می‌رسد که بیشترین حقوق ۱۴۵۰ دالر و پایین‌ترین آن ۲۲۰ دالر است. این در حالی است که عطا الرحمن سلیم معاون شورای عالی صلح افغانستان گفته بود که محدودیت بودجه شورای عالی صلح و نبود استراتژی مدون در راستای صلح دو عاملی است که سبب شده این شورا در انجام مذاکرات موفق نباشد.



است. طلوع نیوز پیش از این گفته بود که اعضای شورای عالی صلح افغانستان به صورت مجموع ماهانه بیش از ۵۳۰ هزار دالر حقوق می‌گیرند که بالاترین حقوق در شورای عالی صلح، به ۱۸ هزار دالر می‌رسد. معاش ۱۶ عضو عالی‌رتبه شورای عالی صلح افغانستان ۶۶ هزار و ۳۶۴ دالر است که بیشترین

منابعی در شورای عالی صلح افغانستان اعلام کرده‌اند که این شورا از امروز دیگر بودجه‌ای ندارد. یک منبع به بی بی سی گفته است که از شنبه بودجه شورای عالی صلح افغانستان قطع می‌شود. رییس جمهور افغانستان درباره چگونگی فعالیت این شورا با کشورهای تامین کننده ریزنی خواهد کرد. به گفته این منابع در ماه آینده این نهاد، هیچ بودجه‌ای برای پرداخت حقوق کارمندان و مصارف خود ندارد. شورای عالی صلح افغانستان در مهرماه سال ۱۳۸۹ شروع به کار کرد. این شورا دارای ۶۸ عضو از جمله ۸ زن بود. این شورا را برهان‌الدین ربانی، رهبر حزب جمعیت اسلامی افغانستان رهبری می‌کرد. برخی کارشناسان می‌گویند که قدرت تثبیت شده گروه طالبان و تشدید ناامنی‌ها پس از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی در کنار مصارف بالایی که برای حفظ ساختار شورای عالی صلح افغانستان هزینه می‌شود؛ این انتظار را برای بسیاری ایجاد کرده که این شورا، منحل شود و بطور مستقیم دولت افغانستان با مخالفان زمینه مذاکرات صلح را فراهم کند.

فیسبوک نامه

پرتو نادری



گویند روزگاری مردی بود شیاد و دروغ پرداز. دروغ های قشنگی می گفت و در دروغ پردازی دست اهریمن را از پشت بسته بود. چنین بود که سلطان او را به دربار فراخواند و جایگاه بلندی برایش داد. آن مرد هر روز به سلطان دروغ های دل نشینی می گفت و سلطان هم کیسه زری به سویش پرتاب می کرد. روزگار به کامش بود و نان اش در روغن. او را برادری بود سخت تنگ دست. روزی خانم اش بر او خشم گرفت که اگر کار دیگری از تو ساخته نیست، چرا به مانند برادر به دربار سلطان نمی روی و چند دروغ سر هم نمی کنی تا چون او به نان و نوایی برسیم.

مرد صد دل را یک دل کرد و بامدادانی رفت به کاخ سلطان. سلطان را خبر دادند که دروغ گویی دیگری آمده و می خواهد با دروغ های خود خاطر سلطان را شاد گرداند. سلطان بر جایگاه نشست و دستور داد که این دروغ گوی را فرا خوانند. سلطان گفت بگوی چه دروغی به ما آورده ای؟ مرد گلو صاف کرد و گفت: ای قبله عالم بامداد که خدمت شما می رسیدم، چوچه سگی را دیدم که در آسمان جف زنان پرواز می کرد!

سلطان ابروان در هم کشید و گفت: تو چگونه به سلطانی چون من دروغ می گویی؛ مگر کجا دیده اند که چوچه سگی پرواز کند. سلطان دستور داد تا مرد را به زندان اندازند. چون برادر دروغ پرداز از ماجرا آگاهی یافت، خود را به دربار رسانید و گفت، ای سلطان خردمند، بر او ببخشاید که او دروغ نمی گوید. من خود نیز آن چوچه سگ را در آسمان دیدم! سلطان فریاد زد، چگونه چوچه سگی پرواز می کند، می خواهی ترا هم به زندان افکنم! مرد گفت: ای سلطان بزرگ، سخن من تا آخر گوش دار که برادرم قصه تمام برای شما نگفته است. آن چوچه سگ را عقابی در چنگال گرفته و به آشیانه خود می برد و چوچه سگ فریاد می زد! تبسمی روی لبان سلطان شگفت و گفت: آفرین بر این راست گفتاری که داری، کیسه زری به سویش انداخت و دستور داد تا برادر دروغ گوی را از زندان رها کنند.

از قدیم گفته اند، یکی دروغ گوی است و کسی هم دروغ راست کن! کسی دروغ می گوید و کسی می آید دروغ او را راست می سازد. مقام ها دروغ می گویند و سخنگویان می آیند دروغ مقام ها را راست می سازند و کیسه زری هم فراچنگ می آورند!

عبدالمنان شیوای شرق



دیورند مرز رسمی است

سال های قبل در برنامه سیاسی تلویزیون نور گرداننده بودم و در انتخابات ریاست جمهوری برنامه گفت و گو با نامزدان ریاست جمهوری را آغاز کردم. در یکی از برنامه ها، آقای اشرف غنی مهمان من شد و در جریان برنامه از او درباره مرز رسمی افغانستان و پاکستان یعنی دیورند پرسش کردم. او با عصبانیت و خشم پاسخ داد. هیچ فرقی میان اقوام آن طرف و این طرف نیست و آن خاک افغانستان است. اگر من رییس جمهور شدم، این مرز باز نگه داشته می شود.

هر چند پس از دو پرسش دیگر، جنجال میان من و افراد مسلح آقای غنی و یکی از کارمندان ارشد نور بلند شد و برنامه قطع گردید، ولی می خواهم بگویم که موضع آقای غنی در این مورد معلوم است. این سیاستمداران بزدل و ترسو هستند که موضع ندارند. واقعیت همین است که دیورند مرز رسمی و شناخته شده بی افغانستان و پاکستان است و متعلق به مردم مردم افغانستان نیست. هرگونه دعوا و دهن کجی در مورد دیورند و دیورندخواهی، تحریف تاریخ و اسناد بین المللی است. من دیورند را مرز رسمی و قانونی میان کشور پاکستان و افغانستان می دانم.

کامبخش نیکویی



نسل امروزی افغانستان با موج بزرگی از پولیسیم سیاسی روبه رو است. با پولیسیم که رویدادها، پدیده های اجتماعی و امور سیاسی را کژسازی و در بافت های زبانی تحریف می کند. در واقع نسل نو افغانستان با ادبیات پولیسیم سیاسی آموخته و آمیخته شده و تحلیل مبتنی بر واقعیت را با تحلیل مبتنی بر ناسیونالیسم تباری قومی که بار کذب و دروغ در آن نهفته است، در می آمیزد و برای سرگرمی خود و به غلط اعلام مواضع پدیده های اجتماعی-سیاسی را تعریف و بیان می کند.

بنابراین، اگر چنین روش و رهیافت ها استمرار پیدا کند، ما در آینده نه چندان دور، شاهد ظهور رهبران پولیست و توده گرا در جامعه سیاسی افغانستان خواهیم بود و این رهبران برای بازیافت رأی و حمایت مردم، دست به تحریف و وارونه سازی پدیده های اجتماعی-سیاسی در کنش های اجتماعی-سیاسی خود زده و مسایل را برپایه خرد و و بلوغیت عقلی حل و سهل سازی نمی کنند، بل با تصامیم احساسی و بازی های زبانی همه را در وضعیت جنگ در فضاهای زبانی قرار می دهند.

افشاگری ترامپ درباره دارایی های ثروت مندان کاخ سفید

رییس جمهور امریکا در تازه ترین اقدام خود، فهرست درآمد و دارایی های اعضای دولت خود از جمله داماد و دخترش را منتشر و با این کار به نوعی تایید کرد که اکثر اطرافیان او مشاورانی فوق ثروت مند هستند.

مقامات بلند پایه کاخ سفید همواره به دلیل وضعیت مالی خود به ویژه پیش از ورود به کاخ سفید، مورد فشار رسانه ها و افکار عمومی قرار می گرفتند. در واکنش به این فشارها، دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا روز گذشته اقدام به انتشار دارایی ها و درآمدهای برخی از اعضای دولت خود کرد؛ اقدامی که می تواند تصویری کلی از ثروت سیاستمداران فعلی امریکا به نمایش بگذارد.

در این افشاگری گری کوئن، رییس سابق شرکت گلدمن ساکس و رییس فعلی شورای اقتصاد ملی کاخ سفید دارایی اش ۲۳۰ میلیون برآورد شده است، در حالی که انتظار می رود رقم واقعی دارایی او بسیار بالاتر از رقم اعلام شده باشد.

کوئن پیش از ورود به کاخ سفید در سال گذشته، بین ۴۸ تا ۷۷ میلیون دلار درآمد داشته است. در همین حال، در این گزارش ۵۴ صفحه ای دارایی های جارد کوشنر، داماد ترامپ و دختر او ایوانکا ترامپ تخمین زده شده است؛ برآوردهایی که شش تا هفت آمار مختلف را نشان می دهد.

بر اساس گزارش نیویورک تایمز، این زوج سرمایه گذار در حوزه املاک بیش از ۷۶۱ میلیون دارایی دارند. کوشنر پیش از کناره گیری در ماه جنوری و ورود به عرصه سیاست، مدیر عامل و همکار ۲۶۶ سازمان اقتصادی، شرکت و گروه تجاری بوده است.

در این میان، قانون گذاران دموکرات ابراز نگرانی می کنند که ثروت مند بودن مقامات مختلف کاخ سفید به ویژه حلقه نزدیکان شخص رییس جمهور، می تواند تضاد منافع شخصی و دولتی را در پی داشته باشد.

در این میان، ترامپ طی هفته های گذشته دختر خود را نیز به کارمندان دولتی اش اضافه و دفتر کاری برای او در کاخ سفید تعیین کرد. با این حال، ایوانکا ترامپ که خود از بزرگان تجارت مُد محسوب می شود، مانند شوهرش همزمان با ورود پدر به عرصه سیاست وارد دنیای سیاست شد.

بر اساس این گزارش منتشر شده، استیو بن "یکی از مشاوران ارشد کاخ سفید" نیز که پیش از ورود به سیاست از بزرگان عرصه املاک و حوزه بانکی امریکا بوده است، بین سه تا ۱۲ میلیون دلار دارایی دارد.

هم چنین برآورد می شود که راینس پریس، رییس دفتر کاخ سفید بین ۶۰۰ هزار تا ۱.۵ میلیون دلار دارایی داشته باشد، در حالی که درآمد او ۱.۵ میلیون دلار تخمین زده می شود. با این حال، در این گزارش اشاره ای به دارایی های شخص رییس جمهور یا مایک پنس، معاون او نشده است.

ریش بلند و حجاب در سین کیانگ ممنوع شد

دولت چین داشتن ریش بلند و حجاب را در منطقه مسلمان نشین سین کیانگ ممنوع کرد.

دولت چین به تازه گی اعلام کرده که تدابیری را برای مقابله با افراط گرایی در سین کیانگ به کار می بندد که این تدابیر شامل ممنوعیت داشتن ریش بلند و حجاب می شود.

این ممنوعیت ها در چارچوب قوانین جدیدی موسوم به «مقررات مربوط به افراط گرایی برای منطقه خود مختار سین کیانگ» اعمال می شود. پیش از این نیز دولت چین دست به اعمال ممنوعیت های مشابهی در این منطقه که حدود ۱۰ میلیون مسلمان را در خود جای داده است، کرده بود.

با این حال، دولت پکن مدعی است، به رغم این محدودیت ها، حقوق مذهبی، فرهنگی و قانونی مسلمانان در سین کیانگ کاملاً محفوظ است.

این مقررات جدید که از دیروز (شنبه) لازم الاجرا اعلام شد، پس از آن مصوب شده که داعش به تازه گی با انتشار ویدیویی تصاویری از کودکانی در سین کیانگ را نشان داد که در حال آموزش دیدن توسط اعضای این گروه تروریستی بودند.

خبرگزاری رویترز گزارش می دهد که قوانین تازه هم چنین این موارد را ممنوع می کند:

– خودداری از فرستادن کودکان به مدارس دولتی

– خودداری از مراعات سیاست های تنظیم خانواده

– تخریب عمدی اسناد حقوقی

– عقد براساس آیین مذهبی

این مقررات هم چنین تصریح می کند که کارمندان فضاهای عمومی مثل ایستگاه ها و فرودگاه ها اکنون باید کسانی که تمام بدن خود از جمله صورت شان را می پوشانند از ورود به این اماکن "منصرف" و پولیس را آگاه کنند.

صعود چشم گیر ساحلی بازان افغانستان در جدول جهانی



تیم ملی فوتبال ساحلی افغانستان پس از درخشش و حضور در رقابت های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۷ که در مالزی برگزار شد، با صعود قابل ملاحظه در جدول جهانی تیم های ساحلی روبه رو شده است.

در تازه ترین رده بندی تیم های فوتبال ساحلی جهان که توسط سایت رسمی فوتبال ساحلی منتشر شده است، تیم ملی فوتبال ساحلی افغانستان با ۱۳ پله صعود در رده ۵۴ دنیا ایستاده است. ساحلی بازان افغانستان که در ماه گذشته در رده ۶۷ دنیا بودند، با کسب ۲۴ امتیاز در رده دهم آسیا قرار گرفته اند.

تیم ساحلی افغانستان در رقابت های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۷ در گروه اول با تیم های ایران، مالزی، چین و بحرین هم گروه بود که کارش را با دو پیروزی مقابل مالزی و چین و دو شکست برابر ایران و بحرین به پایان رساند.

حریفان افغانستان در مسابقات فوتسال آسیا مشخص شد

AFC U-20 FUTSAL CHAMPIONSHIP THAILAND 2017			
GROUP A	GROUP B	GROUP C	GROUP D
A1 THAILAND	B1 VIETNAM	C1 UZBEKISTAN	D1 IRAN
A2 IRAQ	B2 JAPAN	C2 QATAR	D2 KYRGYZ REP.
A3 MALAYSIA	B3 CHINESE TAIPEI	C3 LEBANON	D3 CHINA PE
A4 BHRINE	B4 TAJIKISTAN	C4 MYANMAR	D4 MONGOLIA
A5 SAUDI ARABIA	B5 INDONESIA	C5 HONG KONG	D5 UAE
A6 AFGHANISTAN			

رقابت های فوتسال قهرمانی زیر ۲۰ سال آسیا قرعه کشی شد و تیم ملی فوتسال افغانستان نیز حریفان خود را در این مسابقات شناخت. قرعه کشی این رقابت ها که روز گذشته انجام شد، تیم ملی فوتسال افغانستان در گروه اول با تیم های تایلند، عراق، مالزی، بحرین و برونی هم گروه است. در این مسابقات ۲۴ تیم حضور دارند که در ۶ گروه ۴ تیمی با هم رقابت می کنند.

این رقابت ها از تاریخ ۱۶ تا ۲۶ می به مدت ده روز در شهر بانکوک کشور تایلند برگزار خواهد شد. نخستین دیدار تیم ملی فوتسال زیر ۲۰ سال افغانستان در تاریخ ۱۶ می در مقابل تیم برونی انجام خواهد شد.

تحقیقات فیفا در مورد اتهام فساد در این نهاد تکمیل شد

بالاترین نهاد فوتبالی جهان از پایان یافتن تحقیقات خود در زمینه اتهام فساد مطرح شده در دورن این سازمان، خیر داد.

فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) از تکمیل تحقیقات و بررسی های خود در مورد اتهام فساد دورن این نهاد پس از ۲۲ ماه خبر داد و اعلام کرد که این تحقیقات تکمیل شده است.

بالاترین نهاد فوتبالی جهان پس از رو شدن رسوایی گسترده اداری و مالی اعضای ارشدش در ماه می ۲۰۱۵ (اردیبهشت ماه ۹۴) و بازداشت شماری از آن ها برای تحقیقات بیشتر، تحت فشار بی سابقه ای برای ایجاد اصلاحات قرار گرفت. در ادامه هم چهره های مطرحی همچون سب بلاتر، رییس فیفا و میشل پلاتینی، رییس یوفا با محرومیت هایی مواجه شدند.

جاننی اینفانتینو در این باره گفت: ما اکنون ۲۲ ماه تحقیقات خود را به پایان بردیم و مدارک به دست آمده را تحویل مقامات مربوطه داده ایم. مقامات پیگیر این پرونده هم چنان به دنبال کسانی خواهند بود که با همین فسادهای به ثروت رسیده اند.

فیفا اعلام کرده که پس از بازمبانی بیش از ۲.۵ میلیون سند و مصاحبه با شاهدان عینی کلیدی، گزارشی بیش از ۱۳۰۰ صفحه ای تهیه کرده است. این نهاد هم چنین بیش از ۲۰ هزار صفحه از اسناد و مدارک کشف شده را تحویل مقامات سوئیس و امریکایی که مسئول رسیده گی به این پرونده هستند، داده است.

فیفا هم چنین خبر داده براساس یافته ها، تغییراتی در دپارتمان های این نهاد صورت خواهد گرفت که در پایان ماه اپریل ۲۰۱۷ اعلام خواهد شد.



Mandegar

در نشست بررسی «معضل مرز دیورند» مطرح شد:

مرز دیورند رسمی و پایان یافته است

روح الله بهزاد

پاکستان و حل مسأله آب‌ها با پاکستان از خواست‌های دیگر آقای محمدی از حکومت است که به باور او، می‌تواند دست مداخله دو کشور را از امور یکدیگر کوتاه بسازد. تقابل افراط‌گرایی اسلامی، بودیسم و هندو یسم

لطیف پدرام رهبر حزب کنگره ملی در قسمتی از سخنانش به تقابل و در برابر هم قرار گرفتن چند گرایش فکری در منطقه آسیا تأکید کرد و گفت: حل بحران افغانستان با پاکستان می‌تواند به صلح در منطقه کمک کند. اما مسأله‌ای که کمتر در این زمینه به آن پرداخته شده است، چگونه‌گی و تقابل افراط‌گرایی اسلامی، هندو یسم و بودیسم افراطی است. این نقطه بر بحران‌های منطقه بسیار اثرگذار است.

آقای پدرام با اشاره به کوچ‌دادن اجباری مسلمانان در میانما تأکید کرد: ما هرگز به این نپرداختیم که از متن بودیسمی که اساس آموزش آن را عدم آزار و رواداری بر دیگران شکل می‌دهد، چگونه افراط‌گرایی بودیستی ظهور می‌کند و مردمان دیگر را قتل عام می‌کند؟ چگونه ممکن است از آموزه نرم هندو یسم افراط‌گرایی هندو یستی ظهور می‌کند؟ این دو دین و گرایش با هم روبه‌رو هستند.

آقای پدرام تصریح کرد: تقابل هندوستان و پاکستان تنها تقابل نظامی و استراتژیک و رسیدن به قدرت و ثروت بیشتر برای اقتدار نیست، نبرد افراط‌گرایی اسلامی در برابر افراط‌گرایی هندو یسم نیز است. اگر به تاریخ این دو کشور توجه شود، هیچ‌گامی به سیاست‌مداران معتدل، میانه‌رو و متمایل به صلح‌جویی در این دو کشور مجال ظهور اراده داشته‌اند.

به باور رهبر حزب کنگره ملی افغانستان، رسیدن ثبات در منطقه بدون پرداختن به این مسایل و عناصر به دست آمدنی نیست. اگر وضعیت به همین‌گونه به پیش برود، ممکن منطقه آسیا به سرنوشت خاورمیانه گرفتار گردد.

دکتر پدرام با بیان این‌که تا آخر سال میلادی نفوس مسلمانان هندوستان نسبت به نفوس مسلمانان پاکستان بیشتر می‌شود و این کار برای هندوستان خطرناک است، خاطر نشان ساخت: هندوستان با هر حزب، جریان، جماعت و گروهی که بخواهد معضل افغانستان با پاکستان حل گردد، دشمن است. ما باید به عنوان یک دولت و به عنوان مردم منافع خودمان را در نظر داشته باشیم.

حزب کنگره ملی درحالی این گفته‌ها را مطرح می‌کند که چند روز پیش رسانه‌های پاکستانی از به رسمیت شناختن این خط از سوی داکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی نیز خبر داده بود، اما دفتر رسانه‌های ریاست اجرایی این خبر را رد کرد.



رییس حزب کنگره ملی افغانستان، برخی از کشورهای همسایه و منطقه به ویژه هند و پاکستان را به ترویج کردن افراط‌گرایی در منطقه متهم کرد و گفت: این کشورها برای منافع‌شان افراط‌گرایی مذهبی را دامن می‌زنند.

او از احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و مردم افغانستان خواست تا به‌گونه جدی بر حکومت فشار بیاورند تا از ادعای مرزی در خاک پاکستان "که یک ادعای غیر قانونی و هزینه بردار است" دست بکشند.

هم‌زمان با این، غلام‌محمد محمدی، نویسنده و تاریخ‌نگار با بر شمردن بیش از ۲۰ سند تاریخی در پیوند به رسمی بودن مرز دیورند از سوی حاکمان و شاهان افغانستان، گفت: افغانستان با شش کشور هم‌مرز است، اما با هیچ کشوری به مانند پاکستان مشکلات لاینحل ندارد. مادر این بحران و مشکل، مرز دیورند است که به باور ما باید بسته شود.

آقای محمدی گفت که از هیچ مرز رسمی میان کشورهای همسایه افغانستان ترویج و انتحاری به داخل افغانستان نمی‌آید، اما مرز دیورند حدود چهار سال است که به دهلیز مرگ برای مردم افغانستان تبدیل شده است.

این تاریخ‌نگار برجسته کشور که پژوهش‌های تاریخی زیادی از او در پیوند به مناسبات افغانستان و پاکستان به نشر رسیده است، خاطر نشان ساخت: "افغانستان ادعا دارد که پاکستان به ویژه «آی‌اس‌آی» در امور افغانستان مداخله می‌کند، در مقابل، پاکستان نیز ادعا می‌کند که وزارت اقوام و قبایل افغانستان یک وزارت استخباراتی است که از این طریق در امور پاکستان مداخله می‌کند.

بنابراین، از آنجا که این وزارت کار موثری تا به حال انجام نداده است، باید بسته شود." آقای محمدی که داشتن دولت ملی را از الزامات افغانستان می‌داند، از حکومت می‌خواهد تا مرز دیورند را بسته کرده و در کنار آن، وزات اقوام و قبایل را نیز منحل بسازد.

ایجاد توازن در مواجهه با هندوستان و

شماری از احزاب سیاسی و تاریخ‌نگاران در نشستی می‌گویند، مرز دیورند رسمی است و برای حفظ امنیت و ثبات در کشور باید آن را بسته کرد.

آنان که دیروز در یک نشست خبری در کابل سخن می‌گفتند، با مطرح کردن بیش از ۲۰ سند تاریخی در زمینه رسمی بودن مرز دیورند، از مسوولان حکومت وحدت ملی خواستند تا مرز دیورند را بسته کرده و در کنار آن، وزات اقوام و قبایل را نیز منحل سازند.

دکتر لطیف پدرام، رهبر حزب کنگره ملی افغانستان و عضو مجلس نماینده‌گان در این نشست گفت: مرز دیورند به عنوان مرز رسمی میان افغانستان و پاکستان شناخته شده است و از دولت افغانستان و پاکستان و سازمان ملل متحد می‌خواهیم تا یکبار دیگر به رسمی بودن این خط تأکید کنند تا بتوانیم به بحران‌های به وجود آمده در منطقه نقطه پایان بگذاریم.

آقای پدرام افزود که دیورند یک بحث پایان‌یافته در تاریخ افغانستان است و جدال بر سر آن مصرف داخلی دارد و به لحاظ سیاسی و حقوقی اعتباری ندارد.

این عضو مجلس نماینده‌گان اختلاف مرزی با پاکستان را عامل اصلی ناامنی در کشور دانست و اذعان داشت: "افغانستان باید از این ادعای غیرقانونی دست بکشد و بیشتر از این سبب قربانی شهروندان افغانستان نشود. اسناد داخلی و بین‌المللی فراوانی در زمینه رسمی بودن مرز دیورند وجود دارد. چگونه ممکن است بر پشاور ادعای ارضی داشته باشی و هم‌زمان سفارت‌تان در آن کشور فعال باشد؟"

دکتر پدرام با بیان این‌که حکومت افغانستان امنیت پایتخت را تأمین کرده نمی‌تواند، اما توهم گرفتن خاک پاکستان را دارد، بیان داشت: "مسأله دیورند را به مسأله ناموسی تبدیل کرده‌اند، وقتی بخواهید در پیوند به آن حرف بزنید، شما را خاین ملی خطاب می‌کنند. درحالی که شهروندان حق دارند تا از هر نقطه‌یی که متضرر می‌شوند، انتقاد کنند."

تلاش‌ها برای گسترش

فعالیت‌های داعش در شمال

پشت پرده بیعت طالبان با گروه داعش در ولایت‌های جوزجان و سرپل دست گروه‌های خارجی است.

شماری از اعضای شورای ولایتی سرپل بیان این مطلب می‌گویند، حدود ۲۰ خانواده خارجی در ولایت‌های جوزجان و سرپل فعالیت‌های‌شان را برای بیعت طالبان با داعش آغاز کرده‌اند.

محمدنور رحمانی، رییس شورای ولایتی سرپل در گفت‌وگویی به سلام‌وطندار می‌گوید، این خانواده‌ها شهروندان اوزبیکستان، ترکمنستان، آذربایجان و پاکستان‌اند که به گونه عملی این روند را به پیش می‌برند و تاکنون شماری از طالبان در ولسوالی‌های صیاد و کوهستانات بیعت‌شان با این گروه را اعلام کرده‌اند.

آقای رحمانی از گسترش فعالیت ملک‌طاهر اوف، پسر طاهر یولدش در بخش‌های مرزی میان ولایت‌های فاریاب، جوزجان و سرپل نیز ابراز نگرانی می‌کند.

به گفته او، جنگجویان خارجی در ولسوالی کوهستانات مراکز آموزشی و پایگاه‌های ثابت دارند و اگر دولت جلو گسترش برنامه‌ها و فعالیت‌های داعش را در این ولایت نگیرد، این گروه شمال کشور را نیز تهدید خواهد کرد. رحمت‌الله حشر، ولسوال درزاب جوزجان هر چند در باره بیعت طالبان با داعش در این ولایت چیزی نمی‌گوید، اما می‌افزاید که از چندی به این‌سو شماری جنگجویان از دیگر بخش‌های کشور و جنگجویان اوزبیکستانی و پاکستانی در مرز میان ولسوالی صیاد سرپل، بلجراغ و گرزویان فاریاب و قوش‌تپه و درزاب جوزجان با تجهیزات پیشرفته جنگی حضور دارند.

آقای حشر، فعالیت هواداران پسر طاهر یولدش را در ولسوالی قوش‌تپه نیز تأیید می‌کند.

ذبیح‌الله امانی، سخنگوی والی سرپل، افزایش فعالیت گروه داعش برای سربازگیری و ساخت‌وساز پایگاه‌های نظامی در مرز میان جوزجان و سرپل را نیز تأیید می‌کند، اما می‌گوید که برای نابودی این گروه یک عملیات نظامی در این بخش‌ها راه‌اندازی خواهد شد.

